

فراتر از خبر

از ويتنام تا خاورميانه؛ واكنش روسای جمهور آمريكا به كشته شدن نيروهايشان چه بوده است؟

سعید جعفری

كمتر از يك دقيقه پيش



كشته شدن دو نظامی آمریکایی در حمله موشکی و پهپادی ایران به یک پایگاه در اردن، بار دیگر دولت آمریکا را با تصمیمی روبه‌رو کرده که روسای جمهور این کشور بارها در شرایط مختلف با آن مواجه شده‌اند: پاسخ به كشته شدن نیروهای آمریکایی باید تا كجا پيش برود؟

در حمله اخير يك نظامی آمریکایی نیز مفقود شد و چهار نفر برای درمان به بیمارستان منتقل شدند. این حمله را ایران انجام داده و دربارهٔ مسئولیت آن نیز اختلافی وجود ندارد. در نتیجه از یک نظر با برخی تجربیات تاریخی در آمریکا که در آن طرفی که چنین عملیاتی را انجام داده به صورت روشن مشخص نیست تفاوت دارد. در چنین شرایطی پرسش‌ها بیشتر پیرامون دامنه و شدت پاسخ به چنین عملیاتی است.

كشته شدن نظامیان آمریکایی معمولاً فشار سیاسی بر کاخ سفید را افزایش می‌دهد. مخالفان دولت خواستار واكنش می‌شوند و فرماندهان نظامی نیز دربارهٔ پیامدهای بی‌پاسخ ماندن حمله هشدار

می‌دهند. با این حال، مرور تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد که روسای جمهور آمریکا در چنین شرایطی راه یکسانی را انتخاب نکرده‌اند.

در مواردی، یک حمله به دستاویزی برای گسترش جنگ تبدیل شده است. گاهی دولت آمریکا به یک عملیات تلافی‌جویانه محدود بسنده کرده و در مواردی دیگر، افزایش تلفات مسیر جنگ یا ادامه حضور نظامی آمریکا را تغییر داده است.

خلیج تونکین؛ حادثه‌ای که راه جنگ را باز کرد

یکی از مشهورترین نمونه‌ها به اوت ۱۹۶۴ و جنگ ویتنام برمی‌گردد.

در دوم اوت، ناوشکن آمریکایی «مدکس» در خلیج تونکین با قایق‌های اژدرافکن ویتنام شمالی درگیر شد. دو روز بعد، مدکس و ناوشکن دیگری به نام «ترنر جوی» گزارش دادند که بار دیگر هدف حمله قرار گرفته‌اند.

در هیچ‌یک از این حوادث نظامی آمریکایی کشته نشد. بررسی‌های بعدی نیز نشان داد حمله دوم، برخلاف گزارش اولیه، رخ نداده بود. با این حال، دولت لیندون جانسون هر دو حادثه را به عنوان حمله‌ای تازه از سوی ویتنام شمالی به کنگره ارائه کرد.

کنگره چند روز بعد قطعنامه خلیج تونکین را تصویب کرد. این قطعنامه به رئیس‌جمهور اجازه می‌داد برای دفع حمله و جلوگیری از حملات بعدی، از «تمام اقدامات لازم» استفاده کند. قطعنامه به اعلان رسمی جنگ منجر نشد، اما مبنای سیاسی و حقوقی لازم را در اختیار دولت جانسون گذاشت تا حضور آمریکا در ویتنام را به شدت گسترش دهد.

آمریکا پیش از آن نیز هزاران مستشار نظامی در ویتنام جنوبی داشت و مقام‌های دولت جانسون از مدتی قبل درباره افزایش مداخله بحث می‌کردند. حادثه خلیج تونکین به تنهایی جنگ را آغاز نکرد، اما راه اجرای تصمیم‌هایی را باز کرد که تا آن زمان از نظر سیاسی دشوار بودند.

در اوایل سال ۱۹۶۵، عملیات گسترده بمباران ویتنام شمالی آغاز شد و نخستین واحدهای رزمی آمریکا وارد ویتنام جنوبی شدند. در کمتر از چهار سال، شمار نظامیان آمریکایی در این کشور به بیش از نیم میلیون نفر رسید.

بیشتر در این باره:

ادبیات «بازگشت به عصر حجر»؛ از جنگ ویتنام تا جنگ ایران



حملات تت؛ شکست نظامی، نقطه عطف سیاسی

چهار سال بعد، جنگ ویتنام نمونه متفاوتی از تأثیر حمله به نیروهای آمریکایی را رقم زد.

در اواخر ژانویه سال ۱۹۶۸، نیروهای ویتنام شمالی و ویت‌کنگ همزمان به ده‌ها شهر، پایگاه نظامی و مرکز دولتی در سراسر ویتنام جنوبی حمله کردند. این عملیات در تعطیلات سال نوی قمری ویتنام، موسوم به «تت»، آغاز شد و به همین نام شناخته شد.

نیروهای مهاجم حتی وارد محوطه سفارت آمریکا در سایگون شدند. آنها نتوانستند ساختمان اصلی سفارت را تصرف کنند و در مجموع نیز پس از چند هفته درگیری، تلفات سنگینی متحمل شدند. آمریکا و ویتنام جنوبی از نظر نظامی حملات را دفع کردند.

اما تأثیر سیاسی عملیات با نتیجه میدان جنگ تفاوت داشت. دولت جانسون ماه‌ها به افکار عمومی آمریکا گفته بود که پیروزی نزدیک است و دشمن توان ادامه جنگ را از دست داده است. تصاویر نبرد در خیابان‌های شهرها و حمله به محوطه سفارت آمریکا این روایت را زیر سؤال برد.

کارشناسان سیاست خارجی آمریکا معتقدند حملات نت نقش قابل توجهی در تغییر معادلات در جنگ ویتنام ایفا کرد. هرچند آن حملات به تنهایی منجر به تغییر سیاست ایالات متحده نشد اما اختلاف‌هایی را که از قبل در دولت جانسون درباره ادامه جنگ وجود داشت تشدید کرد. فرماندهان نظامی خواستار اعزام نیروهای بیشتر شدند، در حالی که گروهی از مقام‌های دولت به این نتیجه رسیده بودند که ادامه جنگ با همان راهبرد قبلی نتیجه‌ای نخواهد داشت. در همان زمان اعتراضات ضد جنگ هم در سراسر آمریکا گسترده‌تر از قبل شده بود.

در ۳۱ مارس ۱۹۶۸، جانسون اعلام کرد بخش عمده بمباران ویتنام شمالی را متوقف می‌کند. او همان شب گفت در انتخابات ریاست‌جمهوری آن سال نامزد نخواهد شد. چند هفته بعد نیز زمینه آغاز مذاکرات صلح در پاریس فراهم شد.

حملات نت هرچند بلافاصله باعث توقف خروج نیروهای آمریکایی از ویتنام نشد اما ناظران بر این باورند که تا اندازه زیادی مسیر آینده جنگ در آن کشور را تغییر داد.

زمانی که تلفات، خروج را جلو انداخت

در برخی موارد هم چنین حملاتی باعث شده راهبرد کلی کاخ سفید به شکل معنادار و سریعی تغییر کند. دو نمونه تاریخی احتمالاً به دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بر می‌گردد. جایی که کشته شدن نظامیان آمریکایی در لبنان و سومالی هرچند به خروج فوری از آن کشورها نینجامید اما ادامه مأموریت ایالات متحده در آن کشورها را از نظر سیاسی دشوار کرد.

در ۲۳ اکتبر سال ۱۹۸۳، یک کامیون حامل مواد منفجره وارد مقر تفنگداران دریایی آمریکا در فرودگاه بیروت شد. انفجار ساختمان را ویران کرد و ۲۴۱ نظامی آمریکایی را کشت. این حمله یکی از مرگبارترین روزهای ارتش آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بود.

رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا بلافاصله دستور خروج نیروها را نداد. دولت او قواعد درگیری را گسترش داد و حمایت هوایی و دریایی از ارتش لبنان را افزایش داد. ناوهای آمریکایی در هفته‌های بعد مواضع نیروهای سوری و گروه‌های دروزی را هدف قرار دادند، اما واشینگتن حمله مستقیمی را که بتوان آن را مجازات عاملان بمب‌گذاری دانست انجام نداد.

ریگان ابتدا استدلال می‌کرد که خروج، اعتبار آمریکا را تضعیف می‌کند. اما با ادامه جنگ داخلی لبنان، افزایش فشار کنگره و مبهم‌تر شدن هدف مأموریت، موضع دولت تغییر کرد. در فوریه ۱۹۸۴، تفنگداران دریایی از فرودگاه بیروت به کشتی‌های آمریکایی در دریا منتقل شدند و حضور زمینی آنها پایان یافت.

ده سال بعد، حادثه‌ای در سومالی نتیجه مشابهی داشت. در سوم و چهارم اکتبر سال ۱۹۹۳، نیروهای ویژه آمریکا برای بازداشت دو تن از فرماندهان نظامی محمد فرح عیدید وارد موگادیشو شدند. عملیاتی که به نبردی چندساعته در خیابان‌های پایتخت سومالی تبدیل شد.

دو بالگرد بلک‌هاوک آمریکایی سرنگون شدند، ۱۸ نظامی این کشور نیز کشته و ده‌ها نفر دیگر هم زخمی شدند. تصاویر پیکر یکی از نظامیان آمریکایی که در خیابان کشیده می‌شد، در رسانه‌ها منتشر شد و افکار

بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، همزمان عملیات تهاجمی علیه نیروهای عیدید را متوقف کرد و نیروی بیشتری برای حفاظت از نظامیان آمریکایی و فراهم کردن خروج امن آنها به سومالی فرستاد. او همچنین اعلام کرد همه نیروهای آمریکا تا پایان مارس ۱۹۹۴ این کشور را ترک خواهند کرد.

در هر دو مورد، کشته شدن نظامیان آمریکایی به خروج فوری منجر نشد. دولت‌ها ابتدا تلاش کردند از نیروهای باقی‌مانده محافظت کنند و مانع شوند که عقب‌نشینی به صورت شکست ناگهانی دیده شود. با این حال، تلفات سنگین این پرسش را پررنگ‌تر کرد که آیا هدف مأموریت، هزینه ادامه آن را توجیه می‌کند یا خیر.

«برج ۲۲» اردن؛ پاسخ گسترده اما کنترل‌شده

نزدیک‌ترین نمونه به بحران کنونی شاید در ژانویه ۲۰۲۴ رخ داده باشد.

یک پهپاد انتحاری به پایگاه «برج ۲۲» در شمال شرقی اردن، نزدیک مرز سوریه، اصابت کرد. سه سرباز آمریکایی کشته و بیش از ۴۰ نفر زخمی شدند. این نخستین بار از زمان آغاز موج حملات گروه‌های مسلح منطقه در پی جنگ غزه بود که نیروهای آمریکایی در این حملات کشته می‌شدند.

دولت جو بایدن حمله را به یک گروه مورد حمایت ایران نسبت داد. جمهوری خواهان اما از او خواستند مستقیماً خاک ایران را هدف قرار دهد و هشدار دادند که حمله به گروه‌های نیابتی، بازدارندگی آمریکا را بازمی‌گرداند.



نمای هوایی از پایگاه «برج ۲۲» در اردن

بایدن راه دیگری انتخاب کرد. دولت او در نخستین مرحله پاسخ، بیش از ۸۵ هدف را در هفت مرکز در عراق و سوریه بمباران کرد. این اهداف شامل مراکز فرماندهی، انبارهای موشک و پهپاد و تأسیسات مورد استفاده سپاه پاسداران و گروه‌های هم‌پیمان ایران بود. چند روز بعد نیز آمریکا یک فرمانده ارشد کتائب حزب‌الله را که از گروه‌های شبه‌نظامی متحد ایران است، در بغداد کشت.

هرچند آن عملیات از نظر ابعاد عملیات، گسترده بود اما در عین حال تلاش کرده بود به شکلی طراحی شود که کنترل شده باقی بماند. عدم حمله به خاک ایران باعث شد تا دولت بایدن ضمن اینکه آن حملات را بی پاسخ نگذاشته باشد، اما در عین حال از تبعات احتمالی بعدی و شکل گیری یک جنگ تمام عیار در امان بماند.

واکنش های متفاوت در بحران های مشابه

مرور این نمونه های تاریخی نشان می دهد که حمله به نیروهای آمریکایی و حتی کشته شدن آنها همیشه به یک واکنش مشابه منجر نشده است. گاهی راه را برای گسترش جنگ باز کرده، گاهی به عملیاتی محدود انجامیده و در مواردی نیز با افزایش تدریجی تلفات، تصمیم به پایان دادن به یک مأموریت را تسریع کرده است.

در جنگ کنونی نیز واکنش اولیه آمریکا آغاز شده است. با کشته شدن دو نظامی آمریکایی در حمله اخیر، بر اساس آمار رسمی اعلام شده، شمار نیروهای آمریکایی که از آغاز این درگیری جان خود را از دست داده اند، به ۱۶ نفر رسیده است.

واکنش اولیه دونالد ترامپ نسبت به انتظار برخی تحلیلگران، لحن محتاطانه تری داشت؛ او هرچند کشته شدن سربازان آمریکایی را مایه تاسف خواند، اما بار دیگر بر موضع همیشگی خود مبنی بر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته ای تأکید کرد.

در عین حال تجربه های تاریخی نشان می دهد که روسای جمهور آمریکا لزوماً بلافاصله پس از وقوع چنین عملیاتی تصمیم های متفاوتی نسبت به پیش از آن نگرفته اند اما در عین حال در تمامی موارد، فشار بر ساکن کاخ سفید برای اتخاذ تصمیماتی در پاسخ به جان باختن سربازهای آمریکایی شدت یافته است. اتفاقی که در صورت تکرار و افزایش تعداد کشته شدگان می تواند شرایط را پیچیده تر هم بکند و رئیس جمهور آمریکا را در معرض انتخاب های دشوارتری قرار دهد؛ انتخاب هایی که دست کم موارد تاریخی به ما می گوید می تواند دامنه گسترده و متفاوتی داشته باشد؛ از شدت یافتن عملیات جنگی تا تغییر راهبرد کلی و پایان دادن به یک استراتژی نظامی.

این مطلب بخشی از:

فرا تر از خبر

بایگانی

جهان